

دولت باید ابتکار عمل را در دست گیرد

حقیقۃ الله ذکی

نهادهای امنیتی از آمادگی این نهادها و نیروهای برای حفظ ولایات کشور که تحت تهدید طالبان قرار دارند خبر می دهند. همدا زمان هستند را منصوب کرده است. سقوط کندز در اذهان مردم خاطره تلخی بر جای گذاشت که به زودی فراموش نخواهد شد. سقوط کندز یادآور، هشدار و درخواست های مردمی است، که از مقامات دولتی در کابل خواهان رسیدگی به وضعیت امنیتی و جلوگیری از تهدیدهای طالبان بوده اند. مقامات محلی و مرکزی بعد از حمله طالبان بر کندز و فاجعه ای که رخ داد، در موارد مختلف از باخبری از هشدار و آگاهی از تهدیدها اذعان کردند.

خبرداشتن از تهدیدها و هشدارها و بسی توجهی به آنها، به خودی خود، تصمیم مسئولان را سنگین تر می کند. اصولاً نهادهای امنیتی و مقامات دولتی موظف هستند تا خود تهدیدها را کشف کنند و جلو آنها را بگیرند، اما جالب است که مقامات و مسئولین دولتی نه تنها به دنبال کشف و پیشگیری نبوده اند، بلکه به هشدارها و تذکرها و خواهش های مردم و شخصیت ها و مقامات محلی وقتی نگذاشته اند، هر چند کمیسیون حقیقت یابی برای این گونه مواقع ساخته می شود و به مناطق وقوع جرم و جنایت فرستاده می شود ولی این کمیسیون ها تا کنون هیچ گاهی نتیجه ای نداشته اند، و گزارش های این کمیسیون ها با به سعم و نظر مقامات بلند رتبه نرسیده و یا اگر رسیده توجهی به آنها نشده است.

تجربه ثابت ساخته است که مسئولین و مقامات بلند رتبه دولتی در افغانستان، به راحتی به مردم اطمینان می دهند و به همان راحتی نیز بعد از وقوع فاجعه برای مردم دلیل می آورند. فرافکنی امری مرسوم در میان مقامات دولتی افغانستان است، هر اداره سعی می کند که خود را میرای از تقصیر نشان دهد و گناه را بر شانه اداره دیگری بیاندازد. شکی در این نیست که ولایات مختلف افغانستان در معرض تهدید است. این تهدیدها کاملاً جدی هستند و باید تعقیب شوند. طالبان نباید اجازه پیدا کنند که با مانور دادن در ولایات نزدیک به کابل، خود را به عنوان یک نیروهای کاملاً قوی در اذهان عمومی تثبیت نمایند. مانورهای طالبان در غزنی و سرپل و فاریاب و ... به نحوی این گروه را در اذهان عمومی به یک تهدید جدی علیه حکومت تثبیت کرده است. حالا مردم حتا هشدارهای کاربران رسانه های اجتماعی را جدی می گیرند. امری که به معنای واقعی انورینه نهادهای امنیتی را زیر سوال می برد.

دولت باید به نگرانی های مردم پاسخ دهد. ولایت هایی که در خطر هستند، نیازمند کار عملی دولت هستند. دولت باید با توجه بیشتر به امنیت ولایات، عملاً ثابت بسازد که این ولایات ها در معرض تهدید نیستند. شهراهی که مردم در آنها خود را در معرض تهدید می بینند، پیش از هر گونه حمله ای از سوی طالبان، از نظر اقتصادی و اجتماعی کاملاً آمادگی سقوط را به خود می گیرند و این امر همان چیزی است که طالبان می خواهند بدان دست یابند.

طالبان از هر راهی می خواهند از مردم زهره چشم بگیرند و فرور و اقتدار دولت را در مقابل مردم بشکنند. طالبان تلاش می کنند تا وانمود نمایند که اگر آنها بخواهند یک ولایت را بگیرند دولت افغانستان نمی تواند از مردم دفاع کند. اگر مردم به این تلاش های طالبان باور کنند، در حقیقت دروازه شهرها را به روی طالبان گشوده اند. دولت افغانستان نباید بگذارد تا مردم تسلیم توطنه ها و برنامه های طالبان شوند.

از هر نظر، به خصوص از نظر نظامی، نگهداشتن یک ولایت تحت کنترل دولت به مراتب کم هزینه تر است از باز پس گیری همان ولایت، میزان خسارات مادی و معنوی در سقوط یک ولایت غیر قابل سنجش است. بنابراین این دولت افغانستان باید بجنبند و ابتکار عمل را به دست بگیرد.

در هفته ها و روزهای اخیر کشور و کابل پایتخت شاهد تکان دهنده ترین رویدادهای امنیتی در سالهای اخیر می باشد. همزمان با اوج گیری تحرکات و حملات طالبان و مخالفان مسلح در شمال کشور، به ویژه در ولایت کندز و بدخشان، برخی از ولایات دیگر کشور نیز مورد تهدید قرار گرفته اند. ولایت غزنی، هرات، فراه، بادغیس و... از شمار ولایات و مناطقی است که مخالفین در آن مناطق بگونه ای آمادگی تحرکات و فعالیت های تخریبی را گرفته اند. هم چنین برخی از ولایات و رویدادها حاکی از آنست که پایتخت کشور کابل نیز در معرض نگرانی های امنیتی قرار گرفته است. حملات انتحاری و انفجاری خورد و کلایه که در روزهای اخیر در کابل صورت گرفته است؛ و نیز اعلام آماده باش نیروهای امنیتی برای جلوگیری از وقوع رویدادهای نظامی و تحرکات نظامی طالبان از مهم ترین نشانه های نگرانی در مورد پایتخت می باشد. هرچند هشدارهای امنیتی در قلموس تأمین امنیت یک امر طبیعی به نظر برسد اما وقوع رویدادهای ناگهانی و غیرمتربقه به این هشدارها حالت نگرانی جدی را می دهد. چنانچه سفارت ایالات متحده امریکا نیز طی خبرنامه ای از اتباع امریکایی خواسته است که از سفر به افغانستان و ولایات و تقاطع مورد تهدید کابل پایتخت کشور خود داری ورنزد.

نگرانی های بوجود آمده نسبت به تهدیدهای امنیتی یاد آور نکاتی چند خواهد بود: نخست راه یافتن این شمار از افراد مسلح با تجهیزات کامل در نقطه مرکزی و مهم پایتخت می باشد. براساس مخالفین مسلح چگونه از پست های امنیتی و بازرسی عبور می نمایند و تجهیزات سنگین و پیشرفته نظامی را نیز با خود وارد پایتخت می سازند؟ آیا نیروهای موظف در پست های امنیتی و بازرسی در انجام وظیفه خود کوتاهی و غفلت می ورزند یا این که عناصر نفوذی در درون حکومت، موفق های امنیتی، آنچه که از آن بنام ستون پنجم دشمن خوانده می شود، زمینه سازماندهی و انتقال آنان را فراهم می گردانند؟ دوم تکرار واقعه های تکان دهنده است. کابل چند روز قبل نیز شاهد حمله گروهی مخالفان بر ساختمان مجلس نمایندگان، یعنی مرکز یکی از ارکان قوای سه گانه نظام سیاسی بود. حملات گروهی مخالفین در ولایات و بخصوص در پایتخت

متفاوت از حملات انتحاری یک یا چند فرد است. وقوع چنین رویدادهایی حاکی از آنست که وضعیت از جهات مختلف قابل تأمل بوده و نگرانی های جدی مطرح می باشد. طرح چنین نگرانی هایی و نیز پیامدهای تکان دهنده هنگامی جدی تر می گردد که در روزهای آخر هفته گذشته مقام های امنیتی مسئله امنیت کابل و معشون بودن آن را در برابر حملات مخالفان، شبیه آنچه در کندز رویداد مطرح ساختند. آنان در این ارتباط تصریح نمودند که برخی اقدام هایی در اطراف کابل از جمله در سرپل، چهارآسیاب، ده سبز و ... روی دست گرفته اند؛ و نیروهای امنیتی در حال آماده باش کامل هستند. بدون شک توانایی و آمادگی نیروهای امنیتی برای حفظ و تأمین امنیت شهروندان کشور در هر گوشه ای از آب و خاک مایه مباحثات و افتخار است و باید از آن استقبال نمود و نیروهای امنیتی را تشویق و حمایت نمود. اما پرسش اصلی این است که چرا وضعیت عمومی کشور به سمت و سویی کشانده شده است که نیروهای امنیتی کشور

تفرق سیاسی جامعه نیازناقص. بنابراین حزب به تنهایی، راه حل نیست بلکه خود نیازمند بسترسازیهای ضروری و زمانمند و از جمله تأمین امنیت است.

مقدمه
در جوامع و نظامهای سیاسی کنونی تقریباً هم اندیشی کاملی نسبت به ضرورت تجزیه و جدود دارد و از احزاب با عنوان چرخ دهنده ماشین دموکراسی، نهاد سیاست مدرن، حلقه مفقوده و واسطه بین مردم و کارگزاران و تصمیم گیران سیاسی یاد می شود. از سوی دیگر، همواران حزب، وجود احزاب را مایه توسعه و ثبات سیاسی و وحدت و امنیت ملی کشورها بشمار می آورند و تعادل و پایداری نظام را کار ویژه این پدیده محسوب می کنند. اما پاره ای از صاحب نظران قدیم و حتی جدید هم هستند که یا به طور کلی ادعاهای فوق را نفی می کنند و احزاب را برعکس مایه تفرق و تشتت و ناامنی سیاسی - اجتماعی می دانند و یا این که بسیاری از احزاب فعلی را به دلیل عوامفریبی، سازمان مجوری، طبع الیگارشیک و، در ارضای چنین وظیفه مهمی ناکارآمد دانسته و اساساً جستجوی احزاب واقعی را به ناکجا آبادهای آرمانی حوالت می دهند.

در حال این سؤال اساسی، شایسته یج ثوربررسی است که آیا وجود عملگر داح زاب، مایه ثبات سیاسی و استوار شدن امنیت ملی است یا برخلاف آن، پدیده ای دامن زنده به تشتت و پریشانیهای مختلف در سطح نظامهای سیاسی است و به عبارت دیگر کارکرد آنها عملاً ضعف و عدم تعادل و بی ثباتی را به همراه می آورد؟

احزاب به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد ثبات سیاسی و امنیت مدخلیت دارند. از یک طرف کارویژه های عام آنها باعث افزایش توسعه سیاسی می گردد و بدین طریق ظرفیت بقای نظام را بالا می برند و از طرف دیگر با اجازه فعالیت به احزاب منتقد و مخالف - درون نظام - و اپوزیسیون، همانند روزنه اطمینانی به تداوم و ایمنی حکومت مدد می رسانند. در این مبحث به هر دوی این کارکردهای احزاب اشاره می شود.

(الف) کارویژه های عام کارویژه ها و کارکردهای احزاب واقعی، همواره موجب ثبات سیاسی و امنیت در هر نظام سیاسی است و به همین دلیل است که از آنها به ستون فقرات دموکراسی و جزء ضروری نظامهای مردم سالاری یاد می شود. به تعبیری از آن جا که در عمل امکان

امنیت پایتخت به امنیت کشور تعلق دارد

عبدالله هروی



بجای توجه و سوق نیروها بسوی مرزهای کشور مجبور شوند که در داخل خانه و دروازه های پایتخت تمرکز یافته و نگران تهاجم دشمن در مرکز باشند؟ چه عوامل و زمینه هایی سبب گردیده است که وضعیت کنونی تا بدین حد تغییر جهت دهد؟ یکی از نشانه های روشن حکومتداری خوب این است که در ارزیابی های خود نقاط قوت و ضعف را شناسایی نموده و راه های آسیب پذیری را تشخیص داده و فوراً برای رفع آن اقدام نماید. هم چنین تقاضای قوت را هرچه بیشتر مورد تقویت قرار داده و آن را گسترش و تعمیم دهد. پیش از این نیز پرسش ها و نگرانی هایی از این دست در مورد چگونگی چنین حمله هایی و اقدام های مقتضی از سوی حکومت مطرح گردیده است اما متأسفانه تاکنون واکنش سازنده دیده نشده است. سخن آخر این که امنیت کابل در گرو امنیت تمام کشور است. اگر مقام های حکومت وحدت ملی در ارتباط با تأمین امنیت سراسری و سرکوب مخالفین تدابیر جدی و قاطع و قیصه دهنده دست نیابند بعید به نظر

احزاب، ثبات و امنیت

بهرام اخوان کاظمی قسمت اول



همین جا بود که کارویژه احزاب نیز مورد توجه قرار گرفت. احزاب از این زاویه نه به مثابه تشکلهایی مجزا یا مفرد، بلکه چونان بازیگرانی مرتبط با محیط خود مورد تحلیل قرار گرفتند که به ایفای نقشهای متفاوتی در درون مجموعه ای که به آن تعلق دارند می پردازند. (۶) از این دیدگاه حزب به منزله یک فرع از سیستم اصلی نظام سیاسی و اجتماعی عمل می کند و با ایفای نقش جامعه سیاه دارای درون داده ها و برون داده ها و بازخور است. داده ها یا درون داده ها، مجموعه اطلاعات و خواسته های انتقالی به درون حزب است و یافته ها و برون داده ها عبارتند از کلیه تصمیمها، مقررات، شعارها، موضع گیریها، خط مشیها، جهت گیریها، تاکتیکها، راهبردها و... که از جعبه سیاه (حزب) خارج شده و در اختیار جامعه و دولت و سایر نهادهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی قرار می گیرند. بازخورد هم عبارت است از بازتاب آن دسته یافته ها که دوباره به صورت داده ها وارد جعبه سیاه شده و به صورت یافته های جدیدی از آن بیرون می آید که در این بخش، تعبیر و تفسیر داده ها صورت می گیرد.

بدین ترتیب حزب ماشینی است که مسائل را از سطح جامعه جمع آوری کرده و پس از تحلیل و دستبندی به نهادهای تصمیم گیری (دولت، مجلس، افکار عمومی و) عرضه می دارد. (۷) چنان که آمد، حزب سیستمی فرعی و مندرج در سیستم اصلی نظام سیاسی

تفرق سیاسی جامعه نیازناقص. بنابراین حزب به تنهایی، راه حل نیست بلکه خود نیازمند بسترسازیهای ضروری و زمانمند و از جمله تأمین امنیت است.

مقدمه
در جوامع و نظامهای سیاسی کنونی تقریباً هم اندیشی کاملی نسبت به ضرورت تجزیه و جدود دارد و از احزاب با عنوان چرخ دهنده ماشین دموکراسی، نهاد سیاست مدرن، حلقه مفقوده و واسطه بین مردم و کارگزاران و تصمیم گیران سیاسی یاد می شود. از سوی دیگر، همواران حزب، وجود احزاب را مایه توسعه و ثبات سیاسی و وحدت و امنیت ملی کشورها بشمار می آورند و تعادل و پایداری نظام را کار ویژه این پدیده محسوب می کنند. اما پاره ای از صاحب نظران قدیم و حتی جدید هم هستند که یا به طور کلی ادعاهای فوق را نفی می کنند و احزاب را برعکس مایه تفرق و تشتت و ناامنی سیاسی - اجتماعی می دانند و یا این که بسیاری از احزاب فعلی را به دلیل عوامفریبی، سازمان مجوری، طبع الیگارشیک و، در ارضای چنین وظیفه مهمی ناکارآمد دانسته و اساساً جستجوی احزاب واقعی را به ناکجا آبادهای آرمانی حوالت می دهند.

در حال این سؤال اساسی، شایسته یج ثوربررسی است که آیا وجود عملگر داح زاب، مایه ثبات سیاسی و استوار شدن امنیت ملی است یا برخلاف آن، پدیده ای دامن زنده به تشتت و پریشانیهای مختلف در سطح نظامهای سیاسی است و به عبارت دیگر کارکرد آنها عملاً ضعف و عدم تعادل و بی ثباتی را به همراه می آورد؟

احزاب به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد ثبات سیاسی و امنیت مدخلیت دارند. از یک طرف کارویژه های عام آنها باعث افزایش توسعه سیاسی می گردد و بدین طریق ظرفیت بقای نظام را بالا می برند و از طرف دیگر با اجازه فعالیت به احزاب منتقد و مخالف - درون نظام - و اپوزیسیون، همانند روزنه اطمینانی به تداوم و ایمنی حکومت مدد می رسانند. در این مبحث به هر دوی این کارکردهای احزاب اشاره می شود.

(الف) کارویژه های عام کارویژه ها و کارکردهای احزاب واقعی، همواره موجب ثبات سیاسی و امنیت در هر نظام سیاسی است و به همین دلیل است که از آنها به ستون فقرات دموکراسی و جزء ضروری نظامهای مردم سالاری یاد می شود. به تعبیری از آن جا که در عمل امکان

که به مرکز کشور و پایتخت دسترسی داشته باشند و حملات خود را سازماندهی نمایند؛ عمق فاجعه و نگرانی تکان دهنده است. وقتی حکومت و دستگاه های امنیتی قادر نباشند با همه ادعاهای بلند و بالا و تقاضاهای مردم و حمایت مردم امنیت لازم را در پایتخت تأمین سازند، چگونه می توان انتظار داشت که امنیت عمومی را در سطح کشور تحکیم ببخشند. طبیعی خواهد بود که دشمن با وجود چنین خلاء هایی نهایت بهره برداری را در ضربه زدن به نظام سیاسی و تخریب بیش از پیش روحیه مردم بکار خواهد برد.

همانطور که پیش از این اشاره گردید چنین رویدادها و نگرانی هایی و آسیب های یاد شده برای بار نخست نیست که یادآوری می گردد. پیش از این روی داد نیز حوادثی بسپار روی داده است که چگونگی وقوع آن احتمال دست داشتن در این دستگاه امنیتی بیرونی و همکاری از درون دستگاه امنیتی با آنان مطرح می ساخت. در ارتباط با چنین احتمالی بارها کارشناسان سیاسی و امنیتی و نظامی و نمایندگان مردم در پارلمان هشدار لازم را داده و خواهان توجه جدی حکومت و دستگاه های امنیتی برای تقویت نهادهای امنیتی گردیدند. اما متأسفانه سلسله روی داده ها نشان از آن دارد که غفلت و سهل انگاری غیرقابل توجیه و نابخشودنی در این زمینه وجود دارد.

حقیقت آنست که امنیت کشور و حفظ نظام سیاسی خط قرمز مسئولیت حکومت و همه نیروهای ملی است. اگر حکومت دستگاه های امنیتی نسبت به حفاظت و تقویت این خط قرمز توجه جدی و دلسوزانه از خود نشان ندهند باید منتظر بود که از وقوع چنین حملاتی در ولایات و مرکز، روی های دیگر ارگ ریاست جمهوری از جمله مهاجمین و مخالفین معشون نخواهد ماند. بنابراین لازم و حیاتی است که رهبران حکومت وحدت ملی و مسئولین نیروهای امنیتی بصورت جدی نسبت به شیوه های کارکرد حکومتداری خود تجدید نظر نموده و با اتخاذ یک روش معقول و مسئولانه برای حفظ نظام و تأمین امنیت کشور وارد عمل شوند. بدون شک در این راستا ظرفیت های عظیم ملی و مردمی نیز وجود دارد که می تواند در صورت یک طرح و برنامه تعریف شده و دقیق و قابل اعتماد آنان را در تأمین اهداف ولای پایه شده پاری رساند.

است که به تسهیل و کارآمدی سیستم اخیر کمک شایانی می کند. باید اشاره کرد که نظام سیاسی دارای کارویژه های مهمی است که عبارتند از: استفاده کارگزاران نقشهای سیاسی، استخراج و بسیج و توزیع منابع، شناسایی و تلفیق منافع اجتماعی گوناگون، تأمین شبکه ارتباطات سیاسی، وضع و اجرای هنجارهای سیاسی و انجام وظایف داوری مربوط به اجرای هنجارها. این کارکردها مختص بخشهای درون داده و برون داده و بازخور سیستم سیاسی است و کارایی نظام سیاسی، شرط انجام گرفتن این کارویژه ها براساس ارزشها، هنجارها، نهادها و تقشهاست.

در هرحال، نظم سیاسی و ثبات هر حکومتی، از منظر پیش گفته، مبتنی بر دو دسته عوامل است: یکی این که نظام سیاسی کارویژه های خود را به خوبی انجام دهد و با سایر سیستمهای فرعی جامعه تبادل و روابط متقابل داشته باشد و دوم این که میان حوزه های اصلی نظام اجتماعی ناهماهنگی و عدم تعادل شدید، پدید نیاید. احزاب سیاسی یکی از مهمترین نقشها را در تأمین این دو هدف بر عهده دارد. در توضیح بیشتر باید گفت که نظام سیاسی وقتی با ثبات است که به طور منظم با دریافت داده ها، آنها را به بازده تبدیل کند. از سوی دیگر اگر مدار داده، فرایند، بازده و بازخورد، گسسته شود نظام سیاسی دچار اختلال می گردد. این نابسامانی ممکن است در حوزه داده ها، فرایند، بازده و یا بازخور پدید آید. در حوزه داده ها یا درون داده ها ممکن است کلیه خواسته ها و تقاضاهای جامعه وارد سیستم سیاسی نشود و یا نهادها و سازمانهایی برای انتقال این خواسته ها وجود نداشته باشد و یا نظام سیاسی به نحوی کاذب خواسته ها و تقاضاهای جامعه تعیین کند. در حوزه فرایند ممکن نظام عملی لازم، گسترش نیافته باشد. در حوزه بازده ها و یا برون داده ها ممکن است کلیه خواسته ها هیچ گونه ارتباطی با داده ها نداشته باشد و در واقع نظام سیاسی آنچه را که خود ترجیح می دهد به مثابه سیاستهای خویش عرضه کند و یا بازده ها بعضاً بازتاب داده ها و درون نهادها باشند، و سرانجام در حوزه بازخورد ممکن است پیوندهای لازم جهت تطبیق و مقایسه میان داده ها و بازده ها وجود نداشته باشند. در همه این موارد نظام سیاسی از تباط کامل خود را با پیرامون از دست می دهد و به آشفتگی و ناهماهنگی می افتد. ادامه دارد.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانست است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حقیقۃ الله ذکی
- کارپاکتوریست: خالق علی زاده
- دبیر این: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
- مسئول وب سایت: مهدی صالحی
- آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان
The Daily Afghanistan
Outlook
AFGHANISTAN
The Daily's Premier Assistant